



موافقت با نص آیات؛ معیار علامه طباطبائی در نقد روایات مربوط به قصص قرآن

علامه طباطبائی در مسئله نقد متن و عرضه روایت به قرآن، علاوه بر کنار گذاشتن روایت مخالف با آیه، در برخی موارد از جمله در مواجهه با روایات تفسیری مربوط به گزارش داستان‌های قرآن برآند که نه تنها روایت نباید با قرآن مخالفت داشته باشد، بلکه فراتر از آن، لازم است که با آن موافقت داشته باشد.

علامه طباطبائی در مسئله نقد متن و عرضه روایت به قرآن، علاوه بر کنار گذاشتن روایت مخالف با آیه، در برخی موارد از جمله در مواجهه با روایات تفسیری مربوط به گزارش داستان‌های قرآن برآند که نه تنها روایت نباید با قرآن مخالفت داشته باشد، بلکه فراتر از آن، لازم است که با آن موافقت داشته باشد.

شادی نفیسی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث و نویسنده کتاب «#171;علامه طباطبائی و حدیث» با موضوع روش‌شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبائی در المیزان (پژوهش دینی برگزیده سال 81) در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به بیان ویژگی‌ها و نکاتی در باره میراث تفسیر روایی المیزان و نحوه تعامل علامه طباطبائی با روایات فریقین در تفسیر خود پرداخت.

وی با اشاره به این‌که علامه در بخش تفسیر روایی المیزان، در موضوعات مختلف به بررسی روایات پرداخته‌اند، اظهار کرد: این موضوعات گوناگون را می‌توان به نوعی به طور خلاصه به صورت ذیل طبقه‌بندی کرد: روایاتی که به طور خاص تفسیر آیه هستند، روایاتی که داستان‌ها را گزارش می‌کنند، روایاتی که ناظر به مباحث اعتقادی هستند، روایاتی که در بحث از سبب نزول بدان‌ها توجه می‌شود و روایاتی که ناظر به تأویل آیات در حق ائمه (ع) هستند. گرچه طبقه‌بندی‌های دیگر و بیشتری از انواع مختلف این روایات می‌توان عرضه کرد.

عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث عنوان کرد: نکته بسیار جالب این است که علامه طباطبائی به‌رغم اینکه این موضوعات مختلف را با پراکندگی گوناگون در المیزان آورده است، اما بررسی این تفسیر نشان می‌دهد که ایشان در ذهن خود یک مبنا و قاعده خاصی داشته‌اند و اصول برخورد و مبانی ایشان روشن بوده است.

این محقق و پژوهشگر بیان کرد: به همین دلیل با پی‌گیری این موارد می‌توانیم به یک روال ثابت در المیزان برسیم که بر اساس آن علامه طباطبائی در هر موضوعی روال خاص با توجه به مبانی خاص خود را داشته و در هر کدام از موضوعات روایات سبب نزول، روایات مربوط به اعتقادات، روایات مربوط به داستان‌ها و... یک برخورد خاص داشته‌اند.

به عقیده علامه طباطبائی اگر داستانی که گزارش می‌شود با ظاهر آیه، سیاق، لحن، ترتیب و... موافقت نداشته باشد، این روایت را نمی‌توان به عنوان روایت ناظر به آیه پذیرفت و آن را قبول کرد.

وی خاطرنشان کرد: این برخوردها با توجه به موضوعات مختلفی که در روایات وجود دارد، متفاوت است و البته یک سازگاری کلی نیز در تمام مجلدات المیزان در برخورد با هر دسته از این روایات وجود دارد که بسیار ارزشمند است و حکایت از آن دارد که به شیوه‌ای کاملاً ضابطه‌مند، دیدگاه‌ها، معیارها و قواعد بحث بر علامه روشن بوده و به همین دلیل، بحث منسجم و سازگاری را در کل این مجلدات، در هر حوزه از روایات، ارائه داده‌اند.

عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث ادامه داد: بررسی بحث روایی المیزان نکاتی را برای ما روشن می‌کند و نظرات خاصی را نشان می‌دهد که آن را در بین علما و مفسران دیگر کمتر مشاهده می‌کنیم و توجه به دیدگاه‌های متفاوت، جدید و ابداعی علامه طباطبائی و یا دیدگاه‌هایی که از قبل بوده و علامه آنها را پرورانده و گسترش داده‌اند، بسیار حائز اهمیت است.

وی یکی از وجوه نوآوری‌های علامه را در بحث روایات اسباب نزول دانست و تصریح کرد: علامه بر خلاف بسیاری از عالمان علوم قرآنی، معتقد است که روایات اسباب نزول عموماً اجتهاد صحابیان است و به همین دلیل در ارزیابی صحت آن‌ها به‌ویژه به سیاق آیات توجه می‌کنند و در صورت عدم موافقت با سیاق، این گونه روایات را بعضاً نمی‌پذیرند یا در صورت موافقت با سیاق، آن را

می‌پذیرند و حتی در برخی مواقع، با توجه به سیاق آیات، يك سبب نزول احتمالی را برای آیه حدس می‌زنند.

نویسنده کتاب «؛علامه طباطبایی و حدیث» افزود: نظر علامه درباره روایات مربوط به آیات نازل شده در حق ائمه(ع) از دیگر نوآوری‌ها و موضوعات ابتکاری ایشان است که به دست ایشان پرورده شده و جایگاه ویژه‌ای یافته است. علامه طباطبایی در تحلیل این آیات تعبیر مختلفی را به کار برده‌اند و از جمله آن‌ها این است که این آیات را از قبیل جری و تطبیق دانسته‌اند.

وی با اشاره به این‌که تعبیر «؛جری» در تحلیل این نوع روایات، اولین بار از سوی خود اهل بیت(ع) به کار رفته است، تصریح کرد: برخی از عالمان و مفسران شیعی گذشته (از جمله مرحوم فیض کاشانی در صافی) نیز بعضاً به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ اما قبل از علامه طباطبایی کسی به چنین گستردگی از چنین تعبیری درباره روایات تفسیری استفاده نکرده بود.

عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث خاطرنشان کرد: مفسران پیشین اجمالاً به این مفهوم توجه کرده بودند و علامه طباطبایی در واقع کسی است که آن را عملاً در روایات به کار گرفتند و روایات مختلف را طبق این عنوان طبقه‌بندی کرده و موضوع را پروراندند. پس از علامه و به تبع ایشان علمای بعدی از جمله علامه جوادی آملی و آیت‌الله معرفت نیز از این تعبیر استفاده کرده‌اند و این طبقه‌بندی مورد توجه محققان نیز واقع شده است.

علامه بر خلاف بسیاری از عالمان علوم قرآنی، معتقد است که روایات اسباب نزول عموماً اجتهاد صحابیان است و به همین دلیل در ارزیابی صحت آن‌ها به‌ویژه به سیاق آیات توجه می‌کنند و در صورت عدم موافقت با سیاق، این گونه روایات را بعضاً نمی‌پذیرند یا در صورت موافقت با سیاق، آن را می‌پذیرند.

وی درباره معیارهای نقد حدیث از منظر علامه طباطبایی گفت: عالمان معیارهای مختلفی را برای ارزیابی و نقادی متن روایات عنوان کرده‌اند که علامه نیز بعضاً بدان‌ها توجه کرده و از بین معیارهای مختلف برای نقد متن حدیث، معیارهایی چون عرضه روایت به قرآن، سنت، علم، عقل، واقعیت، تاریخ و... را مطرح کرده‌اند که در صدر این معیارها عرضه روایت به قرآن است.

این محقق و پژوهشگر در تشریح این مطلب گفت: در مسئله عرضه روایات به قرآن، در صورت مخالفت روایت با آیه قرآن، روایت را کنار می‌گذارد و البته این روالی است که تمام عالمان در مسئله نقد متن و عرضه روایت به قرآن در پیش گرفته‌اند. اما نوآوری علامه در این بحث - که کمتر در موارد دیگر به چشم می‌خورد - این است که ایشان به عملکرد فرائری مبادرت می‌ورزند و در برخی موارد (و نه در همه موضوعات) برآنند که نه تنها روایت نباید با قرآن مخالفت داشته باشد، بلکه فرائر از آن، لازم است که با قرآن موافقت داشته باشد.

نفیسی افزود: این بدان معناست که مطلبی که روایت ذکر می‌کند با مطلبی که قرآن بیان می‌کند، هم‌سو و موافق باشد. این احراز موافقت با قرآن بعد تازه‌ای در عرضه قرآن به روایت است. البته علامه در بعضی موضوعات و در بحث از روایات تفسیری خاصی و روایاتی که يك داستان قرآنی را گزارش می‌کنند (چه روایات سبب نزول و داستان مربوط به زمان پیامبر(ص) و چه داستان مربوط به امت‌های پیشین)، از این معیار و ملاک استفاده می‌کنند.

نویسنده کتاب «؛علامه طباطبایی و حدیث» ادامه داد: به عقیده علامه طباطبایی اگر داستانی که گزارش می‌شود با ظاهر آیه، سیاق، لحن، ترتیب و... موافقت نداشته باشد، این روایت را نمی‌توان به عنوان روایت ناظر به آیه پذیرفت و آن را قبول کرد و این خود يك زاویه جدید است که علامه در مواجهه با متن روایات و سنجش آن‌ها فرا روی ما گشوده‌اند.